دكتــر غلامعلى حــداد عــادل: تركيب

تهــران در مجلــس شــورای اســـلامی و عضو شورایعالی انقلاب فرهنگی از بازدیدکنندگان «تغمه قلم» مهدی فلاح بود. دکتم عادل ضمن تماشای این آثار گفت: از مشاهده این خطها و نقاشیخطها و ترکیب زیبای رنگها

لذت بسردم. أقساي مهدي فسلاح از هنرمندان

خوب و شناخته شـده در عرصه فرهنگ و هنر

بهخُصوُص هنر خوشنویسی هستند. برگزاری اینگونه نمایشگاهها اقدام بسیار مفید و موثری در حوزه فرهنگ و هنر اصیل اسلامی و ایرانی

و درخشانی در زمینه خطاطی سنتی و نقاشیخط خلق کرده است. تکتک این آثار

می توانــد برای هنرمندان جوان سرمشــق

و بسراى هنرمندان باتجربه و قديمي ترها الهام بخس آشار آينده شان باشد. از اين ر ....سان بهسد. از این رو خوشحالم که شاهد چنین استقبال گست داد ایا

نسل دوم خطاطی کشور است که با او در بابل

امیرخانی همچنین با انساره به استقبال گسترده از این نمایشگاه گفت: این استقبال

نشان از تغییر سلیقه و ظرفیتهای هنری

موجود در جوانان است. جوانانی که نیاز به حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد دارند؛ از

اینرو امیدوارم وزیر محترم فرهنگ و ارشاد

بیش از پیش مورد حمایت

خود باُزُ گــردد و جوانان در

بن مسير به تعالى برسند. اقبال آل آقا: فلاح

استاد اقبال آل آقا یکی

از بنیانگذاران انجمن

خوشنویسی کشور و از اساتید برجسته و

پیشکســوت خطاطی کــه در این نمایشــگاه حضور یافته بود درباره آثار اســتاد فلاح اظهار

انجمان خوشنویسان هستند و با مهارت خاصی با هر قطع قلمی به سبکهای چلیپا،

داشتُ: استاد فُلاح از اُســتادان بسيار برج

باەقلى مىنويس تر تیب و سیامتم می ویستند. ممپنین در زمینه نقاشیخط هم شاهد پیشرفت سریع این

ا سُده. وي تأكيد كرد: آثار استاد فلاح می تواند هم برای هنرمندان تنوع طلب و هم می و تنا مهر برای مترسیک الهام بخش خوشنویسان سنتی و کلاسیک الهام بخش باشد. این آثار عرصه وسیع تحول پذیری و فضاسازی را در خوشنویسی ارایه کرده است و نشان از قابلیت بالای این هنرمند دارد.

مسرده ی که سالهای سال در هنرمند پیشکسوت که سال در انجُمن خوشنویسُان فعالیت می کند درباره شـناختش از فلاح گفت: فلاح جزو هنرمند

هنرمندان الهامبخش است استاد غلامحسین امیرخانی، رئیس شورای ارزشیابی انجمن خوشنویسان سوری بررسیدی باجعن حوشنوسان ایبران و دارنده ۲ نشان درجه یک فر هنگ و هنبر در کشیورمان، در بازدید از ایبن نمایشگاه ضمن تقدیر از آشار مهدی فلاح اظهار داشت: فلاح آثار بسیار قوی

لتاد امیرخانی: آثار فلاح برای سایر

زیبای رنگها در خطها دكتـر غلامعلى حداد عـادل، نماينده مردم

گفتوگوبا «بابکروشنی نژاد» به بهانه نمایش آثار شدر گالری اثر

# به سلیقه احترام می گذارم اما به بی خردی نه



آزاده جعفريان | گاهي بايك نگاه نه چندان دقيق به ر کرد. اطراف،هزاران سوژه برای خلق آثر هنری پیدامی شودو گاهی حتی بانگاهی موشکافانه نیز نمی توان به منظور مور دنظر رسید. این راهی است که هنرمندان برای موردنظر رسسید. این راسی اسست سه صرصت بیری خلق آثار شسان ناچار به طی کردنش هسستند. وقتی آثار هنرمندان در طول یک بازه زمانی بررسسی شسود، می توان به سیر تحول مسائل اجتماعی یک جامعه پی برد. نشانههایی که زمانی بارز و گاهی نهچندان روشن براده سایی - راسی برارو حسی - پسس روسی در آثار هنرمندان یک نسل خودنمایی می کند، خبر از اتفاقات و جامعه اطراف هنرمند می دهند که به نوعی خیلی هااین گونه باز تاب را رسالت هنرمندان می دانند. تاریخهنرنیز گواهی میدهدبرایبسیاری از هنرمندان ری ر ر ر ی ی بی برت. برگر ر کنی سوژه و موضوع در مرحله دوم خلق یک اثر هنری قرار دارد و آنچه برایشان اهمیت می یابد در وهله اول کنش نقاشانه است. این روزها با تماشای آثار بابک روشنی نژاد در گالری اثر می توان به این نکات دست یافت. او کنش نقاُســاُنه و تَکنیکُ خلق آثرش را برترین ســوژههای بومهایش میداند و چنان قوی و محکم قلممو و رنگ را روی بوم می گذارد که گویسی میخواهد هنرمند بودن خود را به رخ مخاطب پیش رویش بکشاند. «به چپچپ» عنوان این نمایشگاه است که در آن «بابک پ پ پ سون بین معیده معموره روشنی نژاد» از سـه مجموعه «اینترلود»، «پرسونا»، «ته! تاریخ را فاتحــان نمی نویســند، آن لعنتی را من می نویســم، آثاری را به تماشا گذاشــته است. در این یی رہے ۔۔۔ نمایشگاہ ۱۶ تابلو در انداز مھای بسیار بزر گاز انسان تایک در، یک ھواپیما و حتی شکلات کیت کت و یک روز نامہ ، یده می شوند که وجه تشابه همگی شان کنش نقاشانه . هنرمندوارایهایدقیقهارعایتمولفههایزیباشناختی یک اثر نقاُسُسی از هر یک از آنهاست. روشنی نژاد مثل همیشه کوشیده تعبیر فرهنگی و تاثیر جامعه شناختی شیای روز مره و پیرامونی انسان ها را در این نقاشی ها سیدی روز-بر- و پیر از ی خاطرنشان کند.رنگ گذاری های برجه خاطرنشان کند.رنگ گذاریهای برجسته وغلیظ روی بوم نقاشی، همچنان امضای شاخص اوست. «بابک وشنی نژاد» از سال ۱۳۸۹ تاکنون با حضور پررنگ مستمر در آرت فرهای بین المللی نظیر آرت مسکو، کانتمیورسی استامبول و آرت دویی، نگاهها را به خود جلب كُرُده و با استقبال شايان توجه منتقدان هنري و يزمجموعهدارانمعتبرهنرى روبهروشدهاس

شما مُدت مُديدي أستُ كُهُ به كَارِ هاي هنري و در کنارشنویسندگیمشغولید.هنراز کیو کجا پایش,رابهزندگیشماگذاشت؟

پیسور به رحمه سی است. «جویس کرول اوتسس» می گوید: «ما برای چه می نویسیم؟» و پاسخ می دهد برای این که ماناگزیریم ی زندگیمان یک کار باشکوه انجام دهیم! درواقع این انگیزه بسیاری از کسانی است که کار هنری می کنند. در مجموع من فکر می کنم این که شخصی رشتهای را انتخاب می کند خیلی دلیل معلومی ندارد چون یستهای که ما داریم خیلی انتخاب شده نی ریان اختیار صددرصد روی حوادثی که رخ می دهدنداریم و برای هر شخص دغدغههایی مطرح است. همان طور کُه در این نمایشگاه دغدغههایی را می توانید ببینیدُ مانندابزار جنگ که باز می گردد به دوران کودکی من و چیزهایی که دیدهام و برایم فراموش کردنی نی این برای بیشتر همنسلان من نیز صدق می کند و اثر و امتداد خودش را تابه امروز داشته وبعداز این هم خواهد داشت. در نتیجه عوامل پرشماری هستند که مافقط از بخشی از آنها باخبریم. از علاقههای شخصی بگیرید تا حوادثی که در زندگی رخ میدهد یک سلسله دامنهدار

، به دلیل شرایط و شهغلی, اانتخاب کنیم. ممکن است ر سته فراگیری به حساب نمی آید به نظر مررشته ای است که فرق و فاصله قابل توجهی بارشته هایی چون سینما و تئاتر دارد چون این طور بگویم که من هر کاری که انجام دادهام چه

وقتی که مقاله نوشته ام، داستان

وشتهام، نقد فيلم كردهام و نقاشى كسردهام همه اينها اقتضائات آن

سرحه بوده اند چـون حس کرده ام که یک دغدغه درونی یا اشتیاقی وجود دارد، بی آن که انتظار نتیجه

ر . . ر چندانی را داشته باشیم؛ بهطور مشخص هدف این بوده که علاقه

من در واقع میخواهم کنش نقاشی کردن را برجسته کنم وشاید خیلی برای من هنر تصویر گری یا تصویرسازی اولویت داشته باشد. خود کنش نقاشی کردن مهم تر است. به این دلیل هم است که آن را

أكراند يسمان مي كنم

شخصی امرادنبال کنی میخواهی شخصی امرادنبال کنی میخواهی بگویم چه در ابتسادی کار و چه در میانه، آنچه عامل غالب و تاثیر گذار بر من بوده است کدام یسک از وجوه در وجود شسما برجسسته تر

من این دورا هر گزیر کنار هم برای مقایسیه کردن نقاش است و کسی که می نویسد، نویسنده است ولی با کمال تعجُب ما طاقت نداریم یک نفر چند کار را با هم انجام دهد و علاقهمندیم که یک شـخص فقط یک کار را انجام دهد! مثلابهرام بیضایی همان قدر که " پژوهشگر توانمندیاست،نمایشنامهنویسبینظیری م. ت. ت. هم است و فهم این موضوع ممکن است برای خیلی ها م است باشد. من معمولا در این مورد جمله معروفی از والتر بنیامین را مثال می زنم که گفته است: «نقد منی قُرار گرفتین در فاصله صحیح». وقتی شما رحال دیدن یک تصویر پنجمتری هستیداگر در فاُصله دوسانتی متری آن بایستید چیزی نمی بینید و همان طور اگر در فاصله پنجاممتری قرار بگیرید مسلما تصویر را نخواهید دید. درواقع به یک حد مناسب نیاز داریم تا آن را به درستی ببینیم، فکر می کنم این حد مناسب برآیند آن تجربهای است که ما از فرهنگ در معنای عمومیاش داریم. پس نمی توان نقاش خوبی بود اما در موسیقی بد سلیقه بود یا کسی که باید فهم نابل توجهی در مورد فرم داشته باشد چطور می تواند یک ملودی و جمله مبتذل یک قطعه موسیقی پاپ یک ملودی و جمله مبتذل یک قطعه موسیقی پاپ را بهسندد در حالی که ادعامی کند در زمینه فرم آدم صاحب ذوقی اُست. من این را نمی توانم قُبول کنم. من سلیقه را برای هر کسی که می خواهد کار هنری کند، .. ر برک کرد شرط لازم می دانم. ما در یک فضای هنری در حال کار هستیم که مشکلات زیادی با خودش به همراه دارد. در مورد جامعه هنری به طبور کل حرف نمی زنم. در ورد بخشی از آن حرف می زنم که اسباب مشکل و سأله می شیود و فضا را برای کار هنری تنگمی کند

و كمكسى به كثرت و تنسوع آن نمى كند و با سسليقه

تجسمی تولید می شود نه تنها نمی توان هنر به شمار آورد، بلکه به نظرم کار کرداصلی آن دعوت به بی فکری

است. سلیقه ناپرورده چیزی نیست که کاری باما نداشته باشد. قطعا در کار مادخالت می کند. من برای

سلیقه دیگران احترام قایلم اما برای بی خردیشان نه.

ر راهها و امکانات هنوز آزموده نشده این شکل هنری را نوجو و تجربه کنم، بنابراین موضوع در این بین . برای من عمل نقاشی کردن بر هر تنها یک بهانه است برای من عمل نقاشی کردن بر هر چیز دیگری لولویت دارد و ساخت صرف یک تصویر از

برو بروت و المرابع ال شــدهاید تا چــه اندازه این رشــته در هنر شــما

در عرصه تجســمی امروز با آثاری روبهرو هـ اعتماد به نفس هنرمندان أنها صدها برابر از آگاهی و استعدادشان بیشتر است واین فاجعه است و متاسفانه عیب بزرگی که وجود دارد این است که فرق بین هرچومرچو آزادی هنری راهنوز نفهمیدهاند. در مجموعه «به چپچپ» که این روزها در

گالری اثر به روی دیوار است، طبق معمول آثار گذشته تان از رنگهای غلیظ و با ضخامت ر استفاده کردهاید؟

بله، درست است، شروع این نوع کار به اوایل دهــه ۸۰ باز می گردد. اماً در روُنداین سالها و مُوضوعاً تی که کار کردهام تغییراتی هم کردهاند تا به این نمایشگاه رسسیدهام. من علاقه درمان نشدنی به موسیقی الله المده و المستعلى به موسيمي الله المستعلى به موسيمي المسده نوزدهم و به أهنگسازاني وي گوستاو مالبر دارم. ولي أن نوع هنر به أن شكل ديگر ساخته نمي شود و اگر هم

ساخته شود دخلی به تاریخی که امروز مادر آن زندگی می کنیم ندارد. ممکن است بخشــی از دلیل به وجود سمی تعبیر می کنم یعنی جرم رنگ و یه کند. درواقع موضوع، تشـ وضیحاتی در مــوردش ارایه کردامــا خیلی توضیح ادنی نیست. منظور این اســـت که ما با کیفیتها در

یکاثر سروکار داریچ ایس آثار در ادامه و امتداد آثار قبلی من هستند؛ چیزی که برای من اهمیت بسیار دارد، تاکیدی است که در تمام این آثار روی «تقاشی هنری» که همچنان

... قدرت یک مفهوم کلیدی در سیاست بهشمار

اًمدن علاقه من در ربط با قلمروی هنر دیگری بهوجود آمده باشد. اما از حیث توضیح این که این جرم رنگ چه کار کردی دارد باید بگویم که من آن را به عنوان یت ستعارہ دبستی تعبیر تنی تعم یعنی جرم رتت و ضربه کاردک کارش این است که موضوع را به کیفیتی تشــبیه دند. دروافع موضوع، تشــبیه میشود به ان هیجانی که در ضرب قلم وجود دارد. آن را نوعی متافور میدانسم. همچنیسن بزرگ نمایی کارها هیم افزودن وجه شــمایلی به موضوع است. وقتی وجه شمایلی به ، موضوعی می دهیم، حوزہ معناداری آن را گسترش ر کر گئی ہے۔'' میدھیچ، برای مثال وقتی یک شکلات کیت کت را با این ابعاد بزرگ نقاشی می کنیم، کنش نقاشی کردن را به رخ می کُشیم و این، موضوع را در حوزههای معنادار دیگری قرار می دهد و باعث می شود آن آبجکت تبدیل به یک شی تفسیرپُذیر تر شود. درواقع دلالت گری چیزی است که در هنر خیلی از آن صحبت شده است چیری ست به دار همار حیبی از این معتقدم که هنر در میانه دلالت گری و تخطی از دُلالت متولدمی شود. پندی که هنرمنداُن بزُرگ به آن اشاره کردهاند که هرچه رامی خواهید بگویید، مستقیم بازگو نکنید و به شکل غیرمستقیم آن را بگویید، دلالت بر همین امر دارد. توضیح دادن در مورد این که یک پدیده روی شـما چه اثری دار د هر چند می توان

مىرود قدرت به معناى امكان به دس ت. قدرت ابزاری برای اعمال سلطه یا حتی دفاع در برابر زور گویی است. من در دوران کودکی با چشههای خودم دیدهام که هواپیماها چطــور بمباران می کنند ی زیادی روی ذهن همنســـلهای من بعدها به این موضوع علاقهمند شدم و و این تأثیر خیلی زیادی روی ذهن ُهمِن دربارهاش مقاله هایی هم نوشتم، هنر می توانداستراتژی ذهنی مارا تغییر دهد، بر خواست ما تأثیر می گذارد و اولویتهای مارا در خواست چیزهادگر گون کند. درواقع

نْاَتُقُه زيباشــنَاخَتَى مَا را تغييرُ مىدهُدُوبه فكركُرُدن رے. دعوتمان می کندھنرنمی توانداجتماعی نباشد قدرت درواقع باخواست و توانایی مامر تبط است.خودخواست مساله ای است که در هنر دستخوش د گرگونی می شود. نگاه پر سوناژهای تابلوهایتان خیره به مخاطب است، آنهادر پی بیان چه موضوعی هستند. وقتی که یک کار هنری به رساندن یک پیام تقلیل

پیدا کند کارش تمام است. من نمی توانم بگویم منظور من از نقاشی کردن این آدمی که یک جا نشسته و نگاه ر کی ر بی رستی دیگی میکند چیست. این بیشتر یک کیفیت یا احساس می کنده چیست. این بیشتر یک کیفیت یا احساسی که نسبت به یک ملودی دارید، بیان کردن یک احساس در قالب ت. علوم جنبه همگرادارند، چند کلمه غیرممکن اس . میخواهند طبیعت را در یک رابطه هم عرضی خلاصه كنند، اما هنرها مي خواهند دامن بزنند به اين مسأله و

ررے . ۰ . ۰ ر ۲ . به دلیل بزرگ بودن سطح کارهای شما بیننده در ابتدای رویت اثر قبل از این که فرصت کند و اصل اثر را بببيندبامادهبرخوردمي كندبرخوردبا ماده و خود رنگ چقد ر مدنظ شما بوده است؟

خیلی زیاد مـن در واقع میخواهم کنش نقاشـ کردن را برجسته کنم و شاید خیلی برای من هنر صُوير گری يا تصويرسازی اولويت نداشته باشد. خود ننش نقاشی کردن مهم تر است. به این دلیل هم است که آن را آگراندیسمان می کنم. یعنی علاوه بر این که جنبه استعاری پیدامی کندمی توانم این طور هم تعبیر کنم که برجسته کردن و بیشتر نشـان دادن تاکیدی روی عمل نقاشی کردن است. به همین دلیل است که ررت بین کی ری بازنگ وروغن کارمی کنچ به نظر من رنگ و روغن ابزار ر برار رسی و دارای تاریخ و هویت است. رنگ روغن کنش نقاشانه را باار جاعاتی که به تاریخی چند صد ساله

## میدهدافزایشُ میُدهد. با توجه به این کــه در کارهایتـــان از رنگهای خاصی بهرهمی گیرید،انتخابرنگهابرای شما چگونهرخ می دهد؟ وقتی بالت رنگ محدود می شود، جنبه تاکیدی آن

بیشتر می شود و تمرکزی که ما روی موضوع موردنظر داریم، افزایس پیدامی کندولی این کمه چه رنگی انتخاب می شود به کیفیتی تجسمی که آیجاب می کند. بازمی گردد و بیشتر از این که یک دریافت معناشناختی ناشته باشد؛ جنبه تجســمی دارد آما در مورد آن رنگ رقیق روغنی و تیرهای که در انتها روی کار می کشکیم و یک جاهایی را تیره می کند درواقع اشاره تا حدی به وضوع نفت دارم.

### ِ آياتاكنون دومجموعه رابه صورت موازى پيش

برخه یع. بله. هیچ امکانی رد شدنی نیست. بالاخره یک زمان هایی پیشمی آید که آدم خسته شود و احساس نیاز به چیزهای حدید کند و بخواهد تغییر ذائقه دهد. مثلادر دورههایی که داستان می نویسم دیگر نقاشی

گفتوگو

#### نمایشگاه نقاشیخطوخطاطی مهدی فلاح در فرهنگسرای نیاوران حاصل 10سال تلاشم رابه نمایش گذاشتم

مريم تهوري |

نمایشگاه نقاشیخطوخطاطی کلاسیک مهدی فلاح با عنوان «تغُمه قلم» درحالی در گالری شماره یک فرهنگسرای نیاوران افتتاح شد که جمع بی شماری از اساتید خوشنویسی و آواز چون استاد غلامحسین امیرخانی، اقبال آل آقا و امین!.. رشیدی در کنار سایر هنردوستان حضور بهم رساندند. ۱۳۳۴بلوی نقاشیخط و ۳۳تابلوی خطاطی

کلاسیک حاصل سالها فعالیت و تلاش این هنر مند نسل دومی خطاطی کشور است که هنرمند نسـل دومي خطاطي كشُور اس در میان هنرمندان موسیقی نیز بهعنوان استاد در میان هنرمندان موسیقی نیز بهعنوان استاد آواز مجرب شناخته شده است. از این رو نهتنها در انتخاب عناوین تابلوههای نقاشیخط از دستگاههای موسیقی استفاده شده است که اگر به کشیدگی واژهها و درهم تنیدگی حروف دقت کنیم تأثیر موسیقی در نقاشیخطها را به خوبی درک می کنیم. مهدی فسلاح: این نمایشگاه حاصل

یک دهه مطالعه و تلاشم است او کـه در یـک دهه گذشــته بـه دنبال مطالعه آثـار تقاشـی هنرمندان برجسـته اروپایـی و آمریکایی و همچنیـن بازدید از آثار نقاشیخط هنرمندان ایرانی و کشورهای عربی به نقاشیخط ً پرداخته اس به نقاشیخطُ پرداخته اُست، در اینُباره تمام تلاشم در چندسال اخیر این بود تا آثاری خلق کنم که با آثار سایر هنرمندان هنرُمندان کشورهای عربی متفاوتُ باشد. از این رو در تمام این سالها روند نقاشیخط را بهطور کامل دنبال می کـردم. در این زمینه روی تر کیب رنگها بهطور گسترده مطالعه کردم و به مرور با طیف رنگهای عمیق تری وبهرو شدم. از ایسنرو امیدوارم در آینده

رد در رنگهای تازه و نوی بیشتری معرفی کنم. فلاح در بخــش دیگری از ســخنان خود . بیان این که من نقاشی بسودم که سالها خطاطی می کردم، اظهار داشت: اگر ادعای واهی نباشد پیش از این نقاشی بودم که خطاطی می کردم. هرگاه در یکی از کشورهای خارجی نمایشگاه خطاطی سنتی داشتم فردای همان روز به موزه می رفتم و آثار نقاشان را تماشا می کردم. این گرایش ابتدا به صورت

خودجوش بوده و رفته رفته برایم تکلیف شد مبرم شده است. این استاد خطاطیی و آواز درباره وجه اشتراک این بخشی از این آثار که ۲ هنــ نيز تصريــح کرد: خطاطی و آواز اشتراکات بسیاری دارند. در

.. ر. ت حاصل ۱۰سال کار در یں رہے دیگر که همان تابلوهای بوسسيُقى خواننُده هست و در خوشنویسی خطاط. ابزار هر ۲ کار، شعر است ازجمله آثار قديم وجديدي است که به مرور شکل لد بسليار عظيمي گر فتهاند ىيانشان مىبينم. نوشتن

۔ خط بسرای مسن یسک . ر ت ت . موسیقی بصری است که شنیده نمیشود اما دیده می شود. خواندن هم که شنیدنی است. در نوشتن قوانینی مشابه خواندن رعایت می شود. یک کلمهای را باید بکشی، یک جایی آکسان دهی و یک جایی سکون. در

ید جایی ا سازههی و یک جایی سحون در نوشتن هم اید اینام را حالت کرد منابیش دراسده در ایسن نمایشگاه اظهار داشت: بخشی از این آشار که مربوط بند نقاشیخط هایم است حاصل ۱۰ سال کار در این زمینه است اما یخش دیگر که همان تابلوهای خطاطی کلاسیک است از جمله آثار قدیم و جدیدی است که به مرور شکل گرفتهاند. او که سالها در زمینه نقاشیخط و ترکیب رنگها مطالعه کرده است، گفت: این آف ار بیشتر متاثر از حس موسیقایی و محیطی است که در آن بزرگ شدهام از طرف دیگر در شکل گیری این آثار بیشتر تلاًش كردم تُا احساسات و علايقَم را با توانه فکر و منطق پیش ببرم تا درنهایت -آثاری خلق شود که بیننده هیچ کجای دیگر قدیمــی اســتاد امیرخانــی اســت تأکیــد کرد که وجه تمایــز این آثار بیــش از آن که

کنیک باشد بیشتر به هارمونی فرم، فضا و

هر چند که در برخی آثار نقاشیخط ایرادات کوچکی وارد است اما باتوجهبه کیفیت کلی ر پ ی ر ر نار می تــوان از ایــن ایرادها و اشــکالها نیز چشه پوشنی کیرد. وی با اشیاره به گستره ب ۱۹۳۷ فعالیتهای هنری فلاح تأکید کرد: از این نظر می توان گفت استاد فلاح هنرمند چندوجهی

ایسن هنرمند که ایسن روزها به دلیسل کهولت سن بیشتر به استراً حت می پردازد روزهایی را به یاد می آورد که هنگام بر گزاری جشــنوارههای خوشنویســی گوش به صدای بسطور دادی خوسویسی موسی به تصابی خوش استاد فلاح می داد. او در این باره گفت: بارها و بارها در بر گزاری جشنوارههای مختلف استاد فلاح با صدای دلنشین شان برایمان آواز میخواندند و تأثیر فرحبخشی بر محیط کار میبخشیدند که هیچ گاه آن روزها از ذهنم

